**بررسی تطبیقی و زیباشناختی کرسی و تجهیزات جانبی آن**

**درکنار ويژگي­هاي زیباشناختی و مقایسه با**

**كوتاتسو در برخي عادت های مردم ژاپن**

**نصیبه سلطانی رمضان زاده[[1]](#footnote-1)**

**گلنار زمانی[[2]](#footnote-2)**

در این مقاله سعی شده­است زیباشناختی کرسی و تنوع ساخت و جایگاه آن در معماری خانه­های ایرانی تعریف گردد هم­چنین نحوه­ی برپاکردن کرسی، طریقه­ی ایجاد آتش و تجهیزات لازم برای آن و سوخت کرسی بیان شده وبه تعریف ابزار جانبی پرداخته شده­است، تجهیزاتی که با کرسی در تعامل نزدیک هستند اما همیشه هویتشان در حاشیه­ی هویت کرسی مخفی مانده­اند. در قسمت­هایی از این بررسی گاهی فرهنگ­های بومی و حاکم آنقدر در محصول و نحوه­ی به کارگیری آن تنیده بودند که جزء لاینفک آن گشته­اند و بیان کاربرد ابزار بدون فرهنگ استفاده آن غیر ممکن می­نماید.

در بخش آخر به فرهنگ کرسی پرداخته­شده­است اما به علت کمبود منابع مکتوب، تنوع آداب و رسوم در قومیت­های مختلف و همین­طور عجین بودن فرهنگ شب یلدا با کرسی(به دلیل آنکه کرسی خود یکی از نمادهای شب یلداست)و محدودیت زمانی و نیروی انسانی، از پرداختن مفصل به این بحث پرهیز شد و به همین مختصر اکتفا گردید.

**مقدمه**

در فرهنگ معین، کرسی یکی از وسایل گرمازا معرفی شده که از شرق دور به ایران آمده­است. "کرسی(چینی ژاپنی، k0Rorqtsu ظاهرا توسط مغول به فارسی راه یافته) چهارپایه­ای که در زیر آن منقل آتش گذارند و روی چهارپایه را با لحافی بزرگ پوشانند و در زمستان افراد خانواده دور آن نشینند به نحوی که پاها را زیر لحاف برده و نیمه­ی پایین بدن را زیر آن مستور دارند و بدین وسیله از حرارت کرسی استفاده کنند." لغت نامه دهخدا کرسی را اینگونه معرفی کرده است: "چهارپایه­ای از تخته به عرض و طول یک متر و بیشتر که زمستان، گاه زیر آن منقل یا کلک نهند یا آن را فراز چاله­ی آتش گذارند و به زبر آن لحاف گسترند و در چهار طرف نهالین گسترند و بالش نهند نشستن و زمستان را خفتن. یا چهار پایه­ای که لحاف بر آن افکنند و آتش در زیر آن کنند گرم شدن را به زمستان. صندوق مانندی چهارگوشه و چوبین که چهار طرف آن باز است و به گاه زمستان منقلی از زغال افروخته زیر آن گذارند و لحاف یا جاجیم و مانند آن بر وی گسترند و زیر آن نشینند.(ناظم الاطبا)"

در مطالعه و بررسی­های تاریخی کرسی به دلیل ابهامات موجود خواستگاه آن نامعلوم باقی مانده­است. در مشاهدات تاریخی آمده­است"در ایران باستان وسایل گرمازای متعددی یافت شده­است که از آن جمله می­توان به آتشدان، کانون، کرسی، کلک، منقل، تفکده، دودگاه، دودگند و ساراک اشاره کرد"(ویدا جلی[[3]](#footnote-3)). در ویلکینسون[[4]](#footnote-4) آمده­است "در تپه سبزپوشان نیشابور از سده­های سوم و چهارم هجری و همچنین دوران سلجوقی در زمستان از کرسی ایرانی برای گرم­کردن استفاده می­شده­است." همین­طور "در زمان آل بویه نیز اعلام شده است که در قم، کرسیهای نیکو می­ساختند که صادر می­شد." (آدام متز[[5]](#footnote-5) ص 487) در یافته­های باستان­شناسی نارنجستان قوام آمده­است"در سده­های آغازین دوره اسلامی نیز نوعی از کرسی که شبیه نوع متداول امروزی است، وجود داشت." (همو[[6]](#footnote-6)، ص 223)

برای بررسی کرسی از لحاظ زیباشناختی و تجهیزات جانبی منابع کتابخانه­ای گرد­آوری و مطالعه گردید و هم­چنین برای تکمیل اطلاعات از سایت­های اینترنتی نیز بهره گرفته شد. پس از بررسی منابع مکتوب، از افرادی که از کرسی استفاده کرده­اند پرسش شد در این مرحله از 6 نفر در بازه ی سنی 50-70 سال پرسش صورت گرفت، یک فرد اصفهانی ،دو نفر همدانی و سه نفر از تهران، 3 نفر خانم و 3 نفر که به آنها امکان داده شد تا خاطراتشان را بیان کنند که از بین آن هانکته­های لازم استخراج شود و ابهامات برطرف گردد. این مقاله­ حاصل ، نتیجه­ی این بررسی است.

**بررسی زیباشناختی کرسی**

هرچند سال­هاست که روش­های گرمایش جدید جایگزین روشهای قدیمی شده­است، اما هنوز هم بسیاری از خانواده­ها چه به دلیل علاقه و حفظ سنت و چه به دلیل نداشتن امکانات گرمایشی مدرن از کرسی استفاده می­کنند. کرسی چهارپایه­ای است چوبی اغلب مربع شکل در ابعاد 1در 1 یا 1.5 در 1.5 با ارتفاع 60 سانتی متر ،گاهی هم به صورت مستطیل ساخته می­شود(تصویر1). جنس چوب کرسی به منطقه­ی ساخت آن ارتباط مستقیم دارد. در بیشتر مواقع کرسی­گر از ساخت کرسی با سخت چوب­ها پرهیز می­کند. اغلب از نوع چوبی که در منطقه­ی جغرافیایی یافت می­شد در ساخت کرسی بهره می­بردند. ساختار استتیکی کرسی در تمام این سالها یکی بوده­ و بیشتر تغییرات آن بر نحوه­ی گرمایش ­است که از تنوع سوخت بر اساس درآمد خانواده­ها و منطقه­ی جغرافیایی نشات می­گیرد. استفاده از کرسی در قدیم با سرمای زمستان آغاز می­شد و از نخستین شب­های زمستان تا پایان چله­ی بزرگ(15 بهمن)، اعضای خانواده از کوچک و بزرگ کنار هم دور کرسی می­نشستند و روی آن میوه و آجیل می­گذاشتند و مادربزرگها و پدربزرگها از خاطرات جوانی خود می­گفتند و افسانه­ها و قصه­های عامیانه را سینه به سینه نقل می­کردند و بزرگترها اتفاقات روزانه را برای هم تعریف می­کردند.

|  |  |
| --- | --- |
| تصویر 1: تصویری از کرسی ایرانی | 6pp5ztg |

معمولا در خانه­های طبقه متوسط و اعیان، دو کرسی موجود بود. یکی برای اهل خانه و یکی در اتاق پذیرایی برای مهمانان قرار داده­می­شد که اطرافش را با تشکچه­های زیبا می­آراستند و زیباترین صنایع­دستی خانه را روی آن قرار می­دادند. در واقع کرسی جلوه­گاهی برای نمایش هنر و تمکن مالی خانواده بود. کرسی­ای که برای اهل خانه در نظر گرفته شده بود، با توجه به اندازه اتاق و تعداد افراد خانواده تعیین ­شده و سفارش ساخت آن به کرسی­گر داده می­شد.

**معماری و کرسی**

در معماری خانه­های بزرگ قدیمی، اتاقی برای کرسی در نظر می­گرفتند تا در روزهای سرد زمستان فضای خانه را گرم نگه دارد. اتاق کرسی از مجموعه زمستان­نشین و اغلب در گوشه­های این بخش که در و پنجره کمتری رو به حیاط داشت، ساخته می­شد تا در زمستان با بستن در و پنجره بتوان آن را گرم کرد. در وسط اتاق، چال کرسی قرار می­گرفت. این فضا در همه خانه­های اقلیم سرد و کوهستانی وجود دارد. این اتاق در مناطق پرشیب در پشت اتاق­ها و داخل کوه کنده می­شد و فاقد پنجره بوده­است. این بخش در خانه­هایی که حیاط بیرونی داشتند گاه روی محور اصلی که شکم دریده یا چلیپا بوده نیز قرار داشت. برای نمونه در خانه حیدرزاده تبریز، اتاق کرسی الگوی شکم­دریده دارد که با توجه به استفاده این اتاق در شب و در بخش خصوصی خانه، تزیینات مفصل ندارد. در خانه پیرنیای نایین، این اتفاق با استقرار در محور اصلی،تزیینات بسیار ظریف با لایه­کاری گچی دارد. خانه­های روستایی اغلب فاقد اتاق کرسی بودند و از آنجا که سقف­های بلندی داشتند، گرم کردن فضای اتاق به سادگی مقدور نبود. به همین خاطر پرده­های بلندی از جنس پتو یا پارچه­های ماهوتی در جلوی پنجره نصب می­کردند تا سرما وارد اتاق نشود. نکته دیگر این که دیوار ساختمان­ها را به قدری ضخیم می­ساختند که در زمستان سرما به راحتی نفوذ نکند و زود گرم شود و در تابستان خنک بماند و کمتر گرم شود.

**آتش کرسی**

برای تهیه آتش کرسی دو روش مرسوم بود، یکی منقل که حرارت مطبوع زیر کرسی را تأمین می­کرد و آماده کردن آن روش مخصوص به خود داشت و دیگری چال کرسی که توضیح آن مفصلاً بیان خواهد­شد. برای تهیه آتش منقل، ابتدا ته و درزهای منقل را با گچ خیس کرده، کاملا می­پوشاندند. سپس داخل آن را خاکستر الک کرده می­ریختند و وسط خاکسترها را گود کرده و خاکه زغال را درون آن می­ریختند و آتش زغال را وسط آن می­گذاشتند و باد می­زدند تا آتش زغال به خاکه زغال­ها برسد. برای تهیه آتش زغال یک دانه زغال را با نفت آتش می­زدند، زمانی که آتش به خاکه رسید، به آهستگی و آرامی، با کفگیرک روی خاکه­ها را با خاکستر می­پوشاندند. خاکسترهای دور منقل را در مرکز روی آتش جمع می­کردند، با کفگیر آنها را فشرده و سطح آن را صاف می­کردند. سپس برای مدتی منقل را در فضای آزاد می­گذاشتند تا بوی زغال از بین برود و بعد منقل را به زیر کرسی منتقل می­کردند. این روش آتش کردن مخصوص اولین منقلی بود که زیر کرسی قرار می گرفت. پس از آن هر چند ساعت یکبار لازم بود که یک لایه از خاکستر روی آتش را جا­به­جا کرده تا آتش زغال تند شود. "خاکه رو خاکه کردن"به این صورت انجام می­گیرد که آتش باقیمانده ته منقل را با خاک انداز فلزی برداشته و خاکه تازه را داخل منقل الک می­کنند و آتش را دوباره روی آن می­گذارند و با خاکستر می­پوشانند.

**چال کرسی**

نوع قدیمی­تر و اصیل­تر تهیه آتش کرسی کندن چال­کرسی است. چال­کرسی یا کرسی­چال مربعی به ابعاد60\*60\*60 سانتی متر است، این ابعاد در مناطق مختلف متفاوت ذکر شده­است. عمق چاله تا 15 سانتی متر نیز بیان شده­است، در وسط مربع گودال مدوری به اندازه­ی یک کاسه ایجاد می­کردند و همه دیواره­ی مربع و گودال را با کاه­گل(یا گچ و خاک) اندود می­کردند.

در شمال­غربی ایران به چال کرسی حویزک نیز می­گفتند ولی بیشتر با عنوان حوضچه معروف بود. در گودال وسط آتش می­افروختند، درواقع بوته و هیزم را همان­جا آتش می­زدند و پس از آن­که آتش بی­دود و شعله باقی­ماند، کرسی را بر روی آن چاله قرار می­دادند طوری که چهار پایه کرسی در چهار کنج آن قرار بگیرد و قیدهای کرسی مساوی مربع کنده شده گردد. در بعضی از خانه­های روستایی از تنور وسط خانه، به عنوان منبع گرمای کرسی استفاده می­شد که هر روز خاکستر روز قبل را برداشته، هیزم جدید را در گودال می ریختند، این عمل هر روز تکرار می شد. برای کنترل حرارت آتش مجمع آهنی یا تخته­ای بر سر تنور یا چاله قرار می­دادند و سقف خانه­ها به خاطر اینکه در زمستان در داخل اتاق آتش می­افروختند، بیشتر مواقع سیاه بود. اگر اکسیژن مناسب به چوب در حال سوختن نرسد مونوکسیدکربن تولید می­کند که کشنده است و موجب خفگی می­شود. در مناطقی از همدان زیر کرسی و در کنار چال کرسی سرکه قرار می دادند تا این خطر را دور کند، قدیمی­ها معتقد بودند بخار سرکه هوای کرسی و دود زغال را می­گیرد و سر درد نمی­آورد.

در بعضی از خانه­ها هیزم را در جایی به نام کِله یا اجاق می­سوزاندند و بعد به چال کرسی منتقل می­کردند، در اغلب نواحی ایران تهیه آتش کرسی(چه منقل و چه چال کرسی) توسط زنان صورت می­گرفت. اغلب زنان بعد از تهیه زغال برای منقل کرسی و چرخاندن آتش­گردان یا تهیه هیزم و آتش چال­کرسی بوی دود می­گرفتند، چون دود زیادی در این فرآیند ایجاد می­شد، در شمال کشور به این کار "دودی هَشتَن" می­گویند، تهیه سوخت کرسی برای افراد کم بضاعت سختی بیشتری داشت و فرآیند تهیه آتش پرمشقت بود.

**سوخت کرسی**

در آن زمان سوخت کرسی به چند بخش عمده تقسیم می شد: زغال، هیزم و کندالا. هیزم و چوب خاص خانواده­هایی بود که چال­کرسی داشتند اما زغال هم برای منقل و هم برای چال­کرسی کاربری داشت. دو نوع زغال وجود داشت، یکی زغال جنگلی که نوع مرغوب، پرمغز و بادوام بود و قیمت گران­تری داشت و نوع دوم زغال باغی نام داشت و از درختان باغهای میوه، بید، تبریزی و زبان گنجشک تهیه می شد که پوک و بی­دوام بود و ارزان­تر ارائه می­شد. شاخ و برگ و تنه درختان پوسیده­ی جنگلی را در کوره­های زغال­سازی سوزانده و خفه می­کردند و زغال تهیه می­شد، زغال فروش­ها زغال­ها را سَرَند می­کردند و قطعات درشت آن­را به نام زغال، نیمه درشت را به نام "مویزه" و ریزها را به نام "خاکه" می­فروختند.

خانواده­های آینده­نگر خاکه زغال را در اواخر بهار و تابستان می­خریدند که خشک و ارزان بود و گلوله­های مورد نیاز خود را تهیه می­کردند. در همدان معتقد بودند که اگر خاکستر زغال آن سال را برای سال بعد نگه دارند و گلوله­ی زغالی تهیه کنند برکت و خوش یمنی خواهد داشت، آنها قبل از رسیدن زمستان و معمولاً در اوایل پاییز از خاکه زغال و خَس و خاشاکِ نیم سوخته کندآلا درست می­کردند، به کندالا گلوله زغال هم می­گویند. البته گلوله زغال فقط از خاکه زغال تهیه می­شود و تهیه آن نیز به این صورت بود که تشت بزرگی را پر از آب می­کردند و خاکه زغال را داخل آن می­ریختند، بعد از چند دقیقه خاکه را از سطح آب جمع می­کردند و با دست به شکل گلوله می­فشردند و بعد جلوی آفتاب می­چیدند تا خشک شود و بعد به انبار منتقل می­کردند.اما طریقه­ی تهیه­ی کندالا به این صورت بود که خاکه زغال و خس و خاشاک نیم سوخته را همراه شاخه­های مو با آب مرطوب می­کردند و به شکل گلوله و به اندازه­ی توپ­های بازی درمی­آوردند و در مقابل آفتاب می­گذاشتند تا خشک شود و در فصل زمستان هر روز یک عدد گلوله را روی خاکستر منقل که از شب قبل مانده می­گذاشتند و روی آن را با خاکستر می­پوشاندند(مانند زغال) تا به تدریج سرخ شود.

هر گلوله در حدود 24 ساعت گرما می­داد. از آن­جایی که برای خانواده­های کم بضاعت تهیه­ی هیزم و آتش در دو جا از منزل پرهزینه می­شد، سر همان چال کرسی غذای خود را می­پختند به این صورت که قلابی را از داخل به وسط کرسی نصب می­کردند و ظرف غذای خود را روی آن می­گذاشتند. به همین مسئله بیشتر مواقع لباس­ها و ملافه بوی غذا می­داد، گاهی هم که برای گرم کردن آب برای چای، کنار حوضچه ظرف آبی را می­گذاشتند، اگر پای کسی به آن می­خورد، آتش کرسی از بین می­رفت و از آنجایی که مسئولیت روشن کردن منقل بر عهده­ی زنان بود، باید نیمه­شب آتش­گردان در دست می­گرفتند و منقل را آماده می­کردند.

افراد بی­بضاعت که خاک زغال و چوب نداشتند، مجبور بودند در شب­های بلند زمستان آتش کرسی را با پوشال و سبوس و خار درست کنند که باید در طول شب دو سه بار تجدید می­شد. همین­طور چادرنشینان غالباً به زغال چوب دسترسی نداشتند که به جای آن از علف خشک و بوته­ی خار استفاده می­کردند که شعله­های بلندی را ایجاد می­کرد.

**تجهیزات جانبی کرسی**

برای حفظ گرمای کرسی و از دست ندادن حرارت آن تدابیر جالبی اندیشیده شده­بود، ابتدا لحاف کوچک به اندازه کرسی و سپس لحاف معمولی و روی کرسی را با لحافی بزرگ و سنگین (پرشده از پشم و کلک) در ابعاد 4\*4 یا 7\*7 (بسته به ابعاد کرسی) می­پوشاندند. برای زیر کرسی ابتدا فرش یا فرش نمدی می­انداختند(فرش نمدی از پشم فشرده شده تهیه می­شد) و سپس پارچه چهارلا برای زیر کرسی می­انداختند و اطراف آن تشک پای کرسی که معمولاً کوتاه­تر و پهن­تر از تشک معمولی بود می­گستردند، به طوری که با قرار گرفتن در چهار طرف کرسی لبه­ها روی هم نیفتند و ناهموار و ناراحت نباشد و در صورت تمکن مالی از جاجیم برای روی تشک استفاده می­کردند، در غیر این­صورت از پلاس استفاده می­کردند، همین­طور با کشیدن نمد بر روی شانه­های مهمانان یا افراد خانواده بدنشان را گرم می­کردند. آستر لحاف مردم دِه معمولا از کرباس بود که در خُم­های رنگرزی بانیل رنگ آبی می­کردند و تا زمانی که نو بود، دست و پای آدمی که به آن مالیده می­شد رنگ می­گرفت. علاوه بر آن از لحاف­های چهل تکه(رویه لحاف رختخواب پیچ) برای گستراندن روی کرسی استفاده می­کردند برای انجام این کار ابتدا پارچه­های رنگی را قبل از دوخت می­شستند (پارچه­های پنبه­ای بیشتر سفارش می­شد) تا از ثبات رنگ و شکل آن مطمئن می­شدند سپس پارچه­ها را به صورت مربع مستطیل، لوزی و مثلث ریز و درشت می­بریدند و با نخ و سوزن از پشت با کوک­های ریز به هم متصل می­کردند، سپس این تکه پارچه­های به هم دوخته شده را بر روی پارچه­ای بزرگ­تر به عنوان زمینه می­دوختند. البته روش­های دوخت در تکه­دوزی متفاوت بود، اما تکه­دوزی به­خصوص آجیده­دوزی (دوخت ریز و ظریف روی پارچه­ای دولایه با لایه نازکی از پنبه وسط آن) جزو سوزن­دوزی­های سنتی ایران است و ریشه عمیقی در هنرهای سنتی ایران دارد که درباره سابقه آن اطلاع دقیقی در دست نیست. این لحاف تکه­دوزی شده به نوعی نشانگر سلیقه و هنر خانم خانه بود، در ضمن هر تکه از این پارچه­ها یادآور دردها، عشق­ها، شادی­ها و خاطرات بسیاری بود که با زندگی خانوادگی عجین شده و چه بسا مایه و زمینه بازگویی بسیاری از خاطرات آن دوران می­شد.

علاوه بر این شهرنشینان و روستاییان از روکرسی (خلاصه شده سفره رو کرسی) استفاده می­کردند که جنبه­ی تزئینی داشت. اندازه این سفره­ها (روکرسی­ها) 22/1 تا 40/1 مترمربع بود و توسط مردم شمال­شرقی و غربی ایران و بلوچستان و نواحی اطراف ورامین بافته می­شد، در این نواحی ازدواج­های بین قبیله­ای فراوانی در میان طوایف گوناگونی چون شاهسون، لُر، کُرد و قشقایی روی داد.

|  |  |
| --- | --- |
| تصویر 2: نمونه ای از رو کرسی ورامین(در موزه واشنگتن) | or146j1 |

روکرسی­های ورامین(تصویر2و3) علی­رغم ترکیبات قبیله­ای مختلف نسبت به قبایل دیگر که نژاد خالص­تری دارند ویژگی­های منحصر به فردتری دارند. این روکرسی­ها در قسمت مرکزی دارای طرح­های متمایز مربع یا لوزی شکل هستند که به زمینه یک دست آن گره زده یا دوخته می­شود.

|  |
| --- |
| OR99816 |
| OR99814 |
| تصویر 3: روکرسی متعلق به شاهسون­های ورامین |

در بسیاری از مناطق ایران از جاجیم به عنوان روکرسیِ رختخواب پیچ و رویه تشک استفاده می­کردند. این بافته­های نواری شکل با طرح تاروپود و بیشتر در شمال­غربی­ایران، آذربایجان، ناحیه خمسه (منطقه­ی شرقی قزوین تصویر4) و استان فارس بافته می­شد، بقیه­ی نمونه عکس­های رو کرسی در پیوست آمده­است.

|  |  |
| --- | --- |
| تصویر 4: بافت رو کرسی از خمسه­ قزوین | Antique South Persian Ru-Korsi |

بافندگان برای به­دست­آوردن اندازه دلخواه آن­ها را به یکدیگر می­دوختند اما جالب است که در ترکیه از جاجیم به عنوان روانداز رویه لحاف، بالش و پتو استفاده می­کردند و می­کنند، در گذشته در صورت نبودن جاجیم از یک پارچه گل­دار خوش­رنگ که در قدیم ترمه و شال که از پارچه­های گران قیمت بود، استفاده می­شد و در اطراف آن چهار تشک و چهار متکا یا مخده می­گذاشتند تا به آن تکیه دهند و یا از پشتی استفاده می­کردند(تصویر5). اما برای تزیین بیشتر (به خصوص کرسی میهمان) از تکه­دوزی استفاده می­کردند، رویه پشتی، کوسَن و متکا­ها را تکه­دوزی و سپس آنها را گلدوزی می­کردند.

|  |  |
| --- | --- |
| تصویر 5: استفاده از مخده و پشتی در اطراف کرسی | 47aol0n |

**فرهنگ کرسی**

در شب­های سرد سال افراد خانواده دور کرسی می­نشستند، قسمت بالای کرسی(شاه­نشین) مخصوص پدر خانواده بود و بقیه اعضای خانواده با توجه به جایگاه و سن­شان در بقیه­ی اضلاع کرسی می­نشستند و اولویت از سمت راست پدر با اولین فرزند ذکور بود،(تصویر6) نوکرها و فرزندان کوچک اغلب در طرف بدون پشتی جای داشتند. افراد پاها را به درون حوضچه که گرم می­شد دراز کرده و لحاف کرسی را تا کمر روی خود می­کشیدند و راحت می­نشستند و مشغول گفتگو و بگوبخند می­شدند و شام و ناهار خود را نیز که بر روی کرسی چیده می­شد، همان جا تناول می­کردند. بچه­های شیطان و شلوغ نیز اغلب با پاهای خود در زیر کرسی به شیطنت می­پرداختند. دیگر بازی­هایی که دور کرسی انجام می­گرفت عبارت بود از کلاه­بازی، دزد­بازی، گل یا پوچ، یه قل دو قل و مشاعره، سرگرمی خانم­های خانه این بود که برای اهل خانه بافتنی ببافند، آقایان نیز قرآن، دعا، شاهنامه و مولوی می­خواندند و داستان­های شاهنامه، سمک عیار، قصه حسین کرد شبستری و... را برای کوچکترها تعریف می­کردند. معمولاً همگی افراد خانواده در یک اتاق کارهای خود را انجام می­دادند و چون پدرسالاری بود، وقتی پدر می­خواست بخوابد، همه مجبور بودند بخوابند.

|  |  |
| --- | --- |
| تصویر 6: جایگاه افراد در کنار کرسی | untitled |

خانم خانه معمولاً قوری چای را از اوایل شب تا نیمه­های آن در منقل یا روی سه­پایه گرم نگه می­داشت و برای هرکس که از در وارد می­شد، یک مشت گندم برشته شده یا تخمه که روی کرسی در مجمع قرار داشت می­گذاشت و یک استکان چای می­ریخت و همیشه مراقب بود تا آتش خاموش نشود. زندگی آن دوران بسیار جمعی بود، مردم خود را مقید می­دانستند که با نزدیکان، خویشان، دوستان و همسایگان رفت و آمد داشته باشند و معاشرت کنند و صله رحم را به جای آورند، به­همین دلیل یا میهمان بودند و یا میزبان. اگر میزبان بودند با روی گشاده از میهمان استقبال می­کردند و پس از چای و صرف میوه و شیرینی محلی و صحبت و گفت و گو در مجمع شب­چره را می­آوردند و بر روی کرسی می­گذاشتند.

شب­چره معمولاً شامل هفت­میوه و آجیل هفت­مغز بوده­است که فلسفه وجودی شب­چره این بوده که میزبان وقتی شب­چره را می­آورد که دیگر مهمان باید منزل را ترک می­کرد و با خوردن شب­چره از میزبان خداحافظی و تشکر می­کرد البته شب­چره هر منطقه با منطقه دیگر متفاوت بود به طور مثال شب­چره آذربایجان شرقی شامل قاروقا (گندم برشته با شادونه) آجیل، لبو، هویج، کدو حلوایی، حلوای گردو، انواع میوه، مویز، بادام و سنجد می­باشد. در استان مرکزی انواع میوه و تنقلات، مویز، انگور، نخودچی، کشمش و خرما را برای شب­چره مهیا می­کردند. میوه­های سرخ و زرد­فام که نمادی از خورشیدند شب چره هموطنان کرمانشاهی می­باشد نظیر انار سرخ، سیب سرخ، لیموی زرد و هندوانه سرخ، البته در کنار این میوه­ها آجیل و هفت مغز و شیرینی­های محلی بر روی کرسی در مجمع مسی قرار می­دهند. خورا کی­های ارومیه­ای­ها نیز چنین است: انار، سیب، آجیل، هندوانه، انگور آویز(ملاخ)، گردو، بادام، تخمه، نقل، سوجوق، حلوای گردو و یا هویج.

همدانی­ها(به خصوص اهالی مریانج) قاووتی دارند که به قاووت خضرنبی معروف است که تشکیل شده از مقداری جو- گندم- ذرت-نخود-سنجد-تخمه هندوانه- تخم خربزه و گرمک که توسط 6 خانواده که دور هم جمع می­شده­اند تهیه می­شده و هر کدام از آنها را در ظرفی جداگانه سرخ کرده و بعداً هریک را در کیسه می­ریختند و به آسیاب می­بردند و آرد می­کردند. در اسدآباد همدان، زمستان­ها آش­ترش هم درست می­کردند. برای درست کردن آش ترش یک کاسه نخود، یک کاسه عدس، یک چارک چغندر، چند برگ چغندر، یک کاسه بلغور، یک کاسه آلو خشک، یک کاسه سیب خشکه، یک کاسه شیره خوب ویک کاسه سرکه انگور را داخل دیزی می ریزند و روی اجاق بار می­گذارند، وقتی که آش خوب پخت سر ظهر همه­ی افراد خانواده زیر کرسی دور هم جمع می­شوند ومی­نشینند ویک کاسه پر برای خودشان آش ترش می­ریزند و مشغول خوردن می­شوند وآن­قدر می­خورند که خوب عرق کنند و معتقدند که با این عرق کردن، سرما خوردگی از سر وتنشان بیرون می­رود وقتی که آش­خوردنشان تمام شد برای اینکه دچار ضعف نشوند کدبانوی خانه می­رود از انبار خانه مقداری مویز خوب وگردو می­آورد و سر کرسی می­ریزد وهمگی مشغول خوردن آن می­شوند.

قزوینی­ها هنگامی که میزبان می­رفت تا شب چره را بیاورد می­خواندند: "هرکسی نیاره شب­چره- تو انبارش موش بچره". یکی از خوراکی­های مخصوص فصل زمستان در زمان­های قدیم برف و شیره بود که در اکثر مناطق ایران تهیه می­شد و روش تهیه آن به این صورت بود که برف­های تمیز و تازه را از روی شیروانی­ها جمع می­کردند و بر روی آن شیره­انگور یا شیره­نیشکر می­ریختند و چیزی شبیه به یخ­در­بهشت درست می­کردند و معتقد بودند با شیرین کردن کام با معجونی از بارش زمستانی، با سردی زمستان آشتی می­کنند ودیگر دچار سرماخوردگی نمی­شوند.

در قدیم برای کرسی گذاشتن مراسم ویژه­ای داشتند به طوری که سعی می­کردند در روزی و ساعتی خوش یمن کرسی بگذارند و این کار (کرسی گذاشتن) ابتدا توسط بزرگ خانواده و فامیل انجام می­گرفت و در آن شب بزرگ خانواده با پاکتی شیرینی وارد خانه می­شد و شب اول کرسی گذاشتن باید پلو می­خوردند، سپس ظرفی پر از مویز و شانی یا هر دو را بر روی آن می­گذاشتند تا دوستان و آشنایان که به همین مناسبت دعوت شده بودند از آنها بخورند و شادی کنند و مبارک باد بگویند. بعد از گذاشتن کرسی توسط بزرگ فامیل، کم­کم نوبت به کوچکترهای فامیل می­رسید.

در زمان حاضر با مهاجرت افراد به شهر و تغییر نحوه­ی زندگی و سبک و سیاق زیستن، به دلیل کمبود فضای زندگی و سختی مهیا کردن کرسی مصرف وسایل گازسوز رونق یافت. به این ترتیب کرسی با تمام لذتی که داشت کم­کم برچیده شد. لحاف های بزرگ آن به لحاف­های کوچک­تر تقسیم شد و چهارپایه یا میز کرسی هم یا به استفاده دیگری رسید یا فروخته شد و خلاصه آثار وجود کرسی از خانه­ها رخت بربست.

**کوتاتسو**

**مقدمه**

در ژاپن کوتاتسو[[7]](#footnote-7) نمونه­ای از ابزار گرمایشی است، كوتاتسودر معبدهاي بودايي مكتب ذن در قرون وسطي و در ژاپن شكل گرفت و به دليل هماهنگي­هايي با عادات و نحوه­ي زندگي مردم و از آنجایی که براي شرايط اجتماعي و اقتصادي ژاپن در آن دوران مناسب­بود، مورد توجه واقع گرديد. کوتاتسو شباهت­های غیرقابل انکاری با کرسی ایرانی دارد اما جالب آن­که برعکس کرسی که با مدرنیته­شدن زندگی­ها از خانه هارخت بربسته است و ابزاری جدید جایگزین آن شده­اند، کوتاتسو هم­پا و منعطف با فراگیرشدن فناوری در طی قرون متمادی در زندگی روزمره­ی مردم ژاپن و خانواده­­های ژاپنی پابرجا مانده به حضور خود ادامه داده­است و طراحان با بهره­گیری از نبوغ و استعداد خود آن را برای زندگی نوین آماده ساخته­اند. در اين گزارش هدف، بررسي زیباشناختی كوتاتسو و همين­طور شناسايي هماهنگي­ها و حضور آن در عادات صرفه­جويي، مطالعه و گروه­گرايي در ژاپن است. براي رسيدن به اين مقصود از مطالعات كتابخانه­اي، اطلاعات اينترنتي از جمله كتاب­هاي آن­لاين در جهت شناسايي مشخصات دقيق اين وسيله­ي گرمازا استفاده شده­است.

با وجود مطالعات و مصاحبه­هاي در حد امكان، بديهي است كه بررسي اجزاي موجود در زندگي و فرهنگ يك كشور و تمدن،مستلزم شناخت وسيع و كامل از آن فرهنگ و مردم وابسته به آن مي­باشد و در غير اين صورت هر برداشت و سخني از آن موضوع مي­تواند بسيار دور و بيگانه با حقيقت شكل گيرد .در اين گزارش علاوه بر اطلاعات مكتوب، از اطلاعات به­دست آمده از مصاحبه با افرادي كه در ژاپن زندگي كرده­اند و از اين وسيله استفاده نموده­اند و هم­چنين از گفتگوهاي اينترنتي با چند دانشجوي ژاپني نيز بهره گرفته شده­است.

**معرفي زیباشناختی كوتاتسو،پيدايش و تكامل آن و نحوه­ي استفاده**

در قرون وسطي سه راه مناسب براي گرم شدن با مصرف سوخت كمتر براي مردم عادي در خانه­هاي ژاپني وجود داشت:

آنكا[[8]](#footnote-8) :يك نگهدارنده­ي كوچك برای زغال گداخته است که ابعادي قابل حمل به درون رختخواب براي گرم كردن بدن و پاها در هنگام خواب دارد.

هيباچي:[[9]](#footnote-9)يك منقل سراميكي يا فلزي و به عبارتي نگهدارنده­ای به شکل استوانه­ براي نگه­داري زغال گداخته است(تصوير7).

|  |  |
| --- | --- |
| تصوير7: هيباچي­هاي سراميكي | IMG_0441 |

و كوتاتسو: چهارپایه­ای که با گرمای زغال گرم میشود و پتو روی آن می­اندازند تا گرما را حفظ کند(تصوير8).

|  |  |
| --- | --- |
| تصوير 8: نمونه ای از کوتاتسو که شبیه کرسی ایرانی است | kotatsu |

شكل­گيري و جا افتادن كوتاتسو در خانه­هاي ژاپني را مي­توان در شيوه­ي پخت و پز سنتي آن­ها بر روي يك اجاق مركزي[[10]](#footnote-10) كه معمولا در وسط خانه واقع شده­بود جستجو كرد. در قرن 14 يك سطح برآمده براي نشستن افراد خانواده در اطراف و لبه­ي اجاق به وجود آمد و به مرور زمان عادت نشستن به دور اجاق براي گرم­شدن و همچنين صحبت­هاي خانواده همراه با صرف غذا به دور اجاق به­وجودآمد. به دليل پرجمعيتي و كمبود سوخت در ژاپن اين روش از راه هاي مناسب براي گرم شدن هم­زمان با پخت غذا و گذران اوقات به شمار مي­رفت (تصوير9).

|  |  |
| --- | --- |
| تصوير9: اجاق­هاي مركزي در وسط خانه­هاي سنتي ژاپن | [230px-Japanese_Traditional_Hearth_L4817](http://en.wikipedia.org/wiki/Image:Japanese_Traditional_Hearth_L4817.jpg) |

كوتاتسو يك فريم ميز مانند است كه اكثرا از چوب و در موارد بسيار نادر از سنگ ساخته مي­شد و داراي ارتفاع تقريبي20 اينچ است. از چهار بخش اصلي پتو، وسيله­ي گرما زا، رويه­ي ميز و خود فريم ميز تشكيل مي­شود(تصوير10).

|  |
| --- |
| 423px-Kotatsu_svg2 |
| تصوير10: اجزاي كوتاتسوي زغالي |

در ميان ابزار گرمایشی ديگر در ژاپن كوتاتسو به دليل قدمت و حضور آن در خانه­ي ژاپني، شناخته شده­­تر است. ابتدا در قرن 14 هوريگوتاتسو[[11]](#footnote-11) شكل­گرفت كه فرم اصلي آن قراردادن يك فريم چوبي بر روي اجاق مركزي خانه همراه با پتويي كه روي فريم چوبي بود. در دوران ادو[[12]](#footnote-12)( اوائل قرن 17) فرم هوريگوتاتسو مقداري تغيير پيدا كرد. زمين اطراف اجاق به صورت گرد كنده مي­شد و اجاق، درون گودال جاي مي­گرفت و براي ایجاد یک وسيله­ي گرمازاي مناسب فريم چوبي را كاملا روي آن مي گذاشتند. زغال­هاي داغ در كف گودال جاسازي مي­شدند و يك پوشش نازك خاكستر براي انتقال ملائم گرما و حفظ گرماي زغال براي مدت زمان بيشتر بر روي آن ريخته مي شد (تصوير11).

|  |  |
| --- | --- |
| iroli_01_16 | تصوير11: استفاده از اجاق­ها براي جمع شدن و گرم شدن همزمان |

زماني كه خانه­هاي كف­پوش­دار[[13]](#footnote-13) مطرح شدند با انتقال زغال­ها از چال كف­زمين به يك مخزن منقل مانند متحرک، كوتاتسوهاي قابل حمل به نام اوكيگوتاتسو[[14]](#footnote-14) ایجاد شد. در اواسط قرن 20 و با شروع آپارتمان­نشيني در ژاپن منبع سوخت كوتاتسو از زغالي به الكتريكي تغيير يافت كه در اين نوع قابليت چسبانده­ شدن منبع حرارتي به خود فريم ميز وجود داشت. در كوتاتسوهاي الكتريكي فريم ميز بايد به صورت شبكه­اي باشد كه منبع حرارتي به آن چسبانده شود(تصویر12و13).

|  |  |
| --- | --- |
| تصویر 12: چسبانده شدن هيتر به شبكه­هاي فريم | upsidedownkotatsu |

|  |  |
| --- | --- |
| 423px-Kotatsu_svg1 | تصوير13: اجزاي كوتاتسوي الكتريكي |

استفاده از كوتاتسو به صورت نشسته و يا درازكش بود. روي كوتاتسو با لحاف و يا پتوي سنگين[[15]](#footnote-15) پوشانده مي­شد و شخص بر روي زمين به صورتي كه قسمت پايين بدنش زيرميز و پتو قرار گيرد در كنار كوتاتسو مي­نشست. در تابستان پتو قابليت برداشته شدن از روي فريم ميز را دارد و مي­توان از كوتاتسو به عنوان يك ميز معمولي در تابستان استفاده نمود. به همين دليل معمولا پايه هاي كوتاتسو با وجود اين كه در زمستان زير پتو پنهان بود، را زيبا و تزئيني مي­ساختند. كوتاتسو ابعاد ثابت و مشخصي نداشت و در هر خانواده به دلخواه و تناسب اعضا و تعداد افراد خانواده ساخته مي­شده­است. در برخي خانه­هاي روستايي كوتاتسوها در ابعاد بسيار بزرگ و با گنجايش 20 نفر و حتي بيشتر ساخته مي­شده­اند. ميز كوتاتسو در واقع گسترده­ترين استفاده را در ژاپن به عنوان يك نوع مبلمان دارد و همچنان در بسياري از خانه­هاي ژاپني به عنوان قطعه­ي اصلي مبلمان باقي مانده­است (تصوير14).

|  |  |
| --- | --- |
| تصوير14: نمونه­اي از كوتاتسوي مدرن در خانه­هاي ژاپني | horigotatsu_02 |

**بررسي بعضی از فرهنگ­های ژاپن و هماهنگي با كوتاتسو**

**عادت گروه­گرايي**

شاخصه­ي بارز كه در فرهنگ ژاپن قابل مشاهده­است و كوتاتسو هم­راستا و منعطف با اين شاخصه شناخته مي­شود،گروه­گرايي است. در يك نماي كلي به نظر مي­آيد كه ژاپني­ها بسيار گروه­گرا هستند: در گروه كار مي­كنند،در گروه عمل مي­كنند و در گروه شادتر به نظر مي­رسند. اين چنين رفتار اشتراكي و گروهي، در فرهنگ و خانواده دارد. براي ژاپني­ها، خانواده اصلي­ترين و مهم­ترين سوال­ها را براي شخص در مورد كل خود و نقش خود در جامعه را مي­پروراند. جمع شدن اعضاي خانواده به دور هم و در كنار كوتاتسو و نحوه­ي تعامل آنها با يكديگر كه به­صورت رو در رو[[16]](#footnote-16)و نزديك صورت مي­گرفته­است، در طي روزها و ساعت­ها كه شايد حتي به اجبار و به دليل نبودن گرمايش در تمام نقاط خانه صورت مي­پذيرفته است، مي­تواند از عوامل تاثيرگرفته يا تاثيرگذار براي گروه و جمع بودن ژاپني­ها باشد، چرا كه رفتارهايي كه به­صورت متوالي و طولاني صورت گيرد، مي­تواند به عادت­هاي ناخودآگاه و يا دلخواه تبديل شود (تصوير15).

|  |  |
| --- | --- |
| تصوير15: كوتاتسو به عنوان كانوني براي جمع­شدن خانواده | photo |

اين مساله در مورد گروه­گرايي نيز مي­تواند صادق باشد، چراكه ممكن است ژاپني­ها در هنگام استفاده از كوتاتسو براي بهتر گذراندن وقت، لذت بردن و سرگرم شدن در گروه را بيشتر از حالت انفرادي تجربه و تمرين کرده باشند.

**فرهنگ صرفه­جويي**

صرفه­جويي و توجه به فرد از عادات و صفات شناخته شده­ي فرهنگ ژاپن به شمار مي­رود. تعاليم مكتب ذن كه در ژاپن بسيار مورد توجه است نيز براساس توجه به اهميت وجودي فرد شکل گرفته و اين توجه و حساسيت خود باعث شكل­گيري عادت صرفه­جويي در فرهنگ ژاپن شده است. در رابطه با كوتاتسو نيز اين دو شاخصه كاملا نمايان است. خانه­هاي سنتي ژاپن كه به­دليل ساخته­شدن از چوب و كاغذ فاقد عايق­بندي مناسب بوده و محيط بسيار بادگيري به شمار مي­رفته بيشتر به عنوان خانه­هاي مناسب براي تابستان شناخته مي­شوند و به همین خاطر اين خانه­ها به گرماي محيطي وابسته بوده­اند. كوتاتسو وسيله­ي گرمازايي به شمار مي­رود كه با محبوس كردن هواي گرم در زير پتو باعث به هدر نرفتن انرژي گرمايي و مقرون به صرفه­تر شدن آن نسبت به ساير وسايل گرمازا مي گردد. (تصوير16).

|  |  |
| --- | --- |
| تصوير16: ساختار خانه­هاي سنتي در ژاپن | zen_01_17 |

كوتاتسو پاسخ بسيار مناسبي براي گرم­شدن فرد و نه گرم­شدن محيط به شمار مي­رفته زيرا كوتاتسو تنها بخش محدود و مشخصي از فضا را گرم نگه مي­داشت و در قسمت­هاي ديگر خانه هواي سرد جريان داشته است. به همين علت كوتاتسو به وسيله­ي گرمازاي شخصي[[17]](#footnote-17) معروف مي باشند و همچنين كوتاتسوها با قابليت جابجايي امكان قرارگرفتن در نقاط نورگيرتر خانه را براي استفاده بهينه از نور روز به جاي وسايل روشنايي در اختيار افراد خانواده قرار مي­داده است.

**عادت مطالعه**

ريچارد هالوران[[18]](#footnote-18) در كتاب"در ژاپن: تصاوير و حقايق[[19]](#footnote-19)" اشاره می­کند :”ژاپني­ها از باسوادترين مردمان دنيا هستند و نحوه­ي مطالعه­ي طولاني و خستگي­ناپذير آنها بسيار جالب توجه مي­باشد.” همچنين از نظر خوانندگان روزنامه، در صدر آمار جهان هستند و شور و علاقه بسيار زيادي براي مطالعه دارند. در زندگي سنتي ژاپن، با توجه به گرم بودن محيط زير كوتاتسو و سرد بودن بقيه فضاهاي خانه و در نتيجه ناخوشايند­بودن فعاليت­ها دور از کوتاتسو و به خاطر گرم بودن کوتاتسو و استفاده­ی کاربردی از میز و تبديل شدن آن به مركز تجمع خانواده و پايگاهي براي گذران ساعات طولاني در زمستان­ها مي­توانست مكان مناسبي براي مطالعه­هاي طولاني باشد(تصوير17).

|  |
| --- |
| kotatsu2 |
| تصوير17: استفاده از كوتاتسو به عنوان ميز مطالعه |

هماهنگي كوتاتسو با نحوه­ي زندگي سنتي در ژاپن مانند هماهنگي آن با فضاي خانه­ها و امكانات رفاهي و شخصيت فرهنگي موجب محبوبيت اين وسيله در خانه­ها و خانواده­هاي سنتي ژاپن بود. اما ژاپني­ها با ارزش­گذاري به سنت­ها و توجه به آنها، اين وسيله­ي كهن را تا امروز با خود حفظ نموده­اند. حتي پس از جنگ جهاني دوم و با جايگزيني بلوك­هاي ساختماني بلند به جاي خانه­هاي سنتي،كوتاتسو به همراه آنان و تنها در قالبي مدرن­تر به حضور خود ادامه داد.شايد همگن و يكنواخت­تر بودن ژاپن از نظر نژادي و ريشه­اي نسبت به ملت­هاي مدرن ديگر، از جمله عواملي باشد كه ژاپني­ها قادر بوده­اند جامعه­ي خود را در عين حفظ شخصيت و هويت خاص ژاپني به صورت واضح و پررنگ،با جهان مدرن سازگار سازند و شايد اين مساله نيز خود زاييده­ي خصلت و خوي ديگري به نام قدرشناسي در ميان مردم ژاپن است.

منابع:

1- آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ، ترجمة علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران 1364 ش

2- همو، گزارشهای باستان شناسی : نارنجستان قوام ، دیوانخانة قوام الملکی شیراز ، ش 65

1. 36 views of mount fuji,Cathy N.Davidson,Duke University Press 2006
2. Zen Architecture:The Building Process As Practice By Paul Discoe,Alexandra Quinn,Roslyn Banish, Photographs:Roslyn Banish,Cntributer:Alexandra Quinn,Roslyn Banish,Gibbs Smith 2008
3. Every Things In Premodern Japan:The Hidden Lagacy Of Material Culture,Susan B.Hanley,University Of California Press 1999
4. Rise Ye Sea Slugs!A Theme From In Praise Of Old Haiku,With Any More Poems And Fine Elaboration,Robin D.Gill,Contributer:Namako Hakase,Paraverse Press 2003
5. Consumption:Critical Concepts In The Social Sciences,Daniel Miller,Contributer:Daniel Miller,Taylor & Francis 2001
6. Japanese Now:Teachers Manual,Esther M.T Sato,Masako Sakihara,University Of Hawaii Press 1990
7. The Woman Without A Hole & Other Risky Thems From Old Japanese Poems,Robin D.Gill,Translated:Robin D.Gill,Compiled:Robin D.Gill,Paraverse Press 2007
8. Encyclopedia Of Contemporary Japanese Culture,Sandra Buckley,Contributer:Sandra Buckley,Taylor & Francis 2007
9. Negotiating Bilingual And Bicultural Identities,Yasuko Kanno,Lawrence Erlbaum Associates 2003
10. A Japanese Reader:Graded Lessons For Mastering The Written Language,Roy Andrew Miller,Tuttle Publishing 1990
11. Unto A Land That I Will Shoo You,Leo Kaylor,Xulon Press 2007
12. Memories Of An American Housewife In Japan,Paulin Hager,Buy Books On The Web 2000
13. Toshie’:A Story Of Village Life In Twenties-Century Japan,Simon Partner,University Of California Press 2004
14. The Art Of Japanese Architucture,David Young,Michiko Young,Tan Hong Yew,Ben Simmons,Hong Yew Tan,Murata Noboru,Photographs:Ben Simmons,Murata Noboru,Illustrated:Tan Hong Yew,Contributer:Ben Simmons,Murata Noboru,Tuttle Publishing 2007
15. Japan From War To Peace:The Coaldrake Records 1939-1956,Frank William Coaldrake,Maida Coaldrake,William Howard Coaldrake,Routledge 2003
16. Encyclopedia Of Japan:Japanese History & Culture,From Abacus To Zori,Dorothy Perkins,Facts On File 1991
17. Buildings,Culture And Environment,Ray Coal,Raymond Coal,Richard Lorch,Contributer:Ray Cole,Blackwell Publishing 2003
18. Japanese Death Poems,Zen Monks,Yoel Hoffmann,Compiled:Yoel Hoffmann,Contributer:Yoel Hoffmann,Tuttle Publishing 1998
19. Snow Engineering:Recent Advances:Proceeding Of The Third International Conference On Snow Engineering:Sendai,Japan,26-31 May 1996,Masanon Isumi,Tsutomu Nakamura,Ronald L.Sack,Contributer:Masanon Isumi,Tsutomu Nakamora,Ronald L.Sack,Taylor & Francis 1997
20. C.K. Wilkinson, "Heating andcooking in Nishapur", in The Metropolitan Museum of Art, Bulletin  
    منابع اینترنتی:

[www.rugreview.com/146beet.htm](http://www.rugreview.com/146beet.htm)  
<http://www.gallery51.net/piece/0/111282.html><http://www.iranaffairs.com/iran_affairs/2008/02/korsi-or-kotats.html>  
<http://www.typepad.com/t/trackback/531074/26340840>

<http://yahyaee.com/1/archives/2006/08/post_49.htm>  
[www.spongobongo.com/no9872.html](http://www.spongobongo.com/no9872.html)  
<http://web-japan.org/kidsweb/virtual/house/house03.html>  
<http://en.wikipedia.org/wiki/Yalda>

<http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=618>  
<http://www.tabriziau.ac.ir/Carpet%20site/History3F.htm>  
<http://qhahan.blogfa.com/post-99.aspx>  
<http://www.memary.blogfa.com/post-32.aspx>  
<http://ask.metafilter.com/31368/making-a-kotatsu>  
<http://www.bulletsforever.com/story/2006/12/20/0451/4064>  
<http://www.asianart.com/greenteadesign/3.html>  
<http://en.wikipedia.org/wiki/Kotatsu>  
<http://en.wikipedia.org/wiki/Japanese_New_Year>  
[www.amychavez.addr.com](http://www.amychavez.addr.com/)  
<http://web-japan.org/kidsweb/virtual/house/house03.html>

<http://www.readliterature.com/BC_snowcountry.htm>  
<http://www.plastiquemonkey.com/2006/12/31/omisoka-new-years-eve-meal-toshi-koshi-soba/>  
<http://www.japan-guide.com/e/e2132.html>  
<http://archaeology.about.com/cs/asia/a/nara.htm>  
<http://www.jphome.net/jphome_01.html>  
<http://blue_moon.typepad.com/photos/new_years_2005/toshikoshisoba.html>

1. . دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی صنعتی دانشگاه هنر تهران [↑](#footnote-ref-1)
2. . دانش­آموخته­ی طراحی صنعتی از دانشگاه هنر تهران [↑](#footnote-ref-2)
3. http://www.encyclopaediaislamica.com/ [↑](#footnote-ref-3)
4. ; C.K. Wilkinson, "Heating andcooking in Nishapur", in The Metropolitan Museum of Art, Bulletin [↑](#footnote-ref-4)
5. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ، ترجمة علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران 1364 ش [↑](#footnote-ref-5)
6. همو، گزارشهای باستان شناسی : نارنجستان قوام ، دیوانخانة قوام الملکی شیراز ، ش 65 [↑](#footnote-ref-6)
7. Kotatsu [↑](#footnote-ref-7)
8. Anka [↑](#footnote-ref-8)
9. Hibachi [↑](#footnote-ref-9)
10. Irori [↑](#footnote-ref-10)
11. Horigotatsu [↑](#footnote-ref-11)
12. Edo period [↑](#footnote-ref-12)
13. Tatami mat [↑](#footnote-ref-13)
14. Okgotatsu [↑](#footnote-ref-14)
15. Futon [↑](#footnote-ref-15)
16. Face to face [↑](#footnote-ref-16)
17. Personal heater [↑](#footnote-ref-17)
18. Richard Halloran [↑](#footnote-ref-18)
19. In japan:Images And Realities [↑](#footnote-ref-19)